

فصل نامه جنّدى شاپور، دانشگاه شهيد چمران

سال يكم، شماره ۳، پاييز ۱۳۹۴

گناهان جنسى مردان در متون پهلوى

حسنى سفارى^۱ (نويسنده مسؤل)

شهرام جليليان^۲

تاريخ دريافت: ۹۴/۷/۱۲

تاريخ پذيرش: ۹۴/۸/۲۹

چکیده

در بسيارى از متون پهلوى، به مسئله گناهان مردان و زنان و مجازات‌هاى آن‌ها در دين زردشتى پرداخته شده است. يك بخش از گناهان در دين زردشتى، گناهان ويژه مردان است و چنان‌که اين متون نشان مى‌دهند، مردان ايرانى بايستى از کارهاى ناشايست و گناهان، سخت پرهيز مى‌کردند که مبدا کرده‌اى ناشايست و ناپسند که در جامعه دينى ايرانى گناه انگاشته مى‌شد، از آنان سرزند. گناهان مردان از ديدگاه آيين زردشتى چندين گونه بودند و براى هرکدام از آن‌ها مجازاتى تعيين شده بود. در اين پژوهش به آن گناهانى که مى‌توان آن‌ها را «گناهان جنسى مردان» ناميد، به ويژه گناهانى چون لواط، همخوابگى با زنان در دوران دشتان (= قاعدگى)، با شهوت به سوى زنان ديگر رفتن و يا زنا، و احتلام در خواب، پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: دين زردشتى، گناه، گناهان مردان، گناهان جنسى مردان، متون پهلوى.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوى کارشناسى ارشد تاريخ ايران باستان دانشگاه شهيد چمران hosnasaffari@yahoo.com

۲. دانشيار گروه تاريخ دانشگاه شهيد چمران jalilianshahram@yahoo.com

لواط کردن

در دین زردشتی چنان‌که در بسیاری از متن‌های پهلوی بازتاب یافته است، لواط کرده‌ای بسیار ناپسند و نکوهیده خوانده شده است چراکه فعالیت جنسی، تابع وظیفه تولید مثل است و به‌همین دلیل همجنس‌بازی بسیار نهی شده است.^۱ در شریعت زردشتی، پاره‌ای از گناهان، «مرگ‌آرزان» اند و مرتکب در این جهان، مرگ‌آرزان است، یعنی باید کشته شود، و روانش نیز در جهان پسین آمرزیده نشده و از پُل چینود (= صراط) نمی‌تواند بگذرد؛ یکی از این چند گناه، لواط یا غلامبارگی کردن است.^۲ در مینوی خرد، فهرستی از گناهان گوناگون بازگو شده است که یکی از آنها لواط یا غلامبارگی است که از بزرگ‌ترین گناهان خوانده می‌شود چنان‌که پادافره لواط‌کننده و لواط‌دهنده مرگ‌آرزانی خواهد بود.^۳ این گناه چنان بزرگ است که حتی ثواب ازدواج خُودیده (= ازدواج خویشاوندی یا ازدواج با محارم) نیز آن را پاک نخواهد ساخت. تنها راه بخشش این گناه، این است که گناهکار در برابر یک روحانی زردشتی از ته دل اظهار پشیمانی و توبه کند و خودش را برای مجازات و کفاره گناه‌اش تسلیم حکم شریعت زردشتی قرار دهد و اگر مجازات‌اش به آخرین حدّ کیفری برسد، آنگاه گناه‌اش بخشیده و در این دنیا آمرزیده خواهد شد. لواط به‌خاطر حداکثر بزرگ بودن گناهش، چه قبل و چه بعد از عمل ازدواج خُودیده باشد، تفاوتی ندارد و گناه نابخشودنی است.^۴

از دید آیین زردشتی این کرده، چنان ناپسند و نابخشودنی است که اگر کسی لواط‌کننده را بکشد، برای او یک تنائُل^۵ ثواب وجود خواهد داشت. به‌گزارش «مینوی خرد»، آفرینش دیوان نیز از عمل زشت لواط انجام گرفته است: «و اهریمن بدکار، دیوان، دروج‌ها و دیگر زادگان خود را از عمل لواط خود به‌وجود آورد.»^۶ از این رو، کسی که لواط کند، روان او همانند دیو خواهد شد.^۷

کتاب «صد در نثر» هم سخت دیگران را از گناه لواط و حتا از انجام دادن این کرده با زنان نیز، منع می‌کند: «این‌که از غلامبارگی و مواجری کردن، پرهیز باید کردن، چراکه سر همه گناهان دین، این است و در دین به (= دین زردشتی)، از این بدتر گناه نیست. و مرگ‌آرزانی به‌حقیقت ایشان را شاید خواندن. اگر کسی بدیشان فراز رسد و ایشان را در میان این کار ببیند، هر دو را سر بیاورد و هیچ گناهش نباشد و هیچکس را بی‌دستوری دستوران و پادشاهان نشاید کشت به‌جز از غلامبارگی و مواجری. این

۱. دوشن‌گیمن، دین ایران باستان، ص ۱۶۹.

۲. وندیداد، ج ۱، ص ۴۷۴.

۳. مینوی خرد، ص ۳۷.

۴. روایت امید اشوهیستان، ص ۱۸۵-۱۸۶.

۵. اندازه‌ای برای سخت‌ترین گناه.

۶. مینوی خرد، ص ۲۲.

۷. شایست ناشایست، ص ۲۲۷.

گناه چون با زنان کنند، همچنان بود که با مردان.^۱ و چنین است که گفته می‌شود تنها کفاره دنیایی این گناه، آن است که گنهکار گشته شود.^۲ همچنین در «صد در بندهش» لواط کردن از بدترین گناهان خوانده شده است «که چون از کسی این گناه جسته باشد، دوزخی می‌باشد و تا رستاخیز روان او از دوزخ بیرون نیاید».^۳ در ارداویراف‌نامه، چگونگی مجازات روانِ آنهایی که در دنیا لواط کرده‌اند، توصیف شده است: «دیدم روانِ مردی که ماری همانند تیری در نشیمن آن روان اندر می‌شد، و از دهان او بیرون می‌آمد و دیگر ماران بسیار همه اندام او را می‌جویدند و از سروش اهلو و آذر ایزد پرسیدم که: «این چه گناه کرد که روان او آنچنان پادافره گرانی را متحمل می‌شود؟ سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: «این روان آن مرد دروندی است که در گیتی لواط کرد و مردی بر خویشتن هشت. اکنون روان او باید چنین پادافره گرانی را تحمل کند.»^۴ و «دیدم روانِ مردی که مارها مژه او را می‌گزیدند و می‌جویدند و به هردو چشم او مار و گرم می‌ریدند و میخ آهنی بر زبان او بسته بود. و پرسیدم: «این تن چه گناهی کرد که روان او چنین پادافره گرانی را متحمل می‌شود؟ سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: «این روان آن مرد دروندی است که عمل لواط بسیار کرد و به دلیل میل به شهوت بد با زن کسان دیگر همخوابگی کرد و با چرب‌زبانی خویش زنانِ دیگران را فریفت و گمراه کرد و از شوهر جدا کرد».^۵ این پادفراه‌ها و مجازات‌های دهشتناک نشان‌دهنده این واقعیت است که لواط و غلامبارگی در آیین زردشتی به شدت نهی شده است و سزای کسانی که لواط می‌کنند در جهان مادی مرگ و در جهان دیگر نیز، بدترین و سخت‌ترین شکنجه‌هاست. بزرگ بودن این گناه احتمالاً، بیشتر به دلیل اهمیت مسئله ازدواج و خانواده و فرزند در آیین زردشتی است، و این‌که مردان تنها زمانی مجاز به تمکین و همخوابگی هستند که این همخوابگی با زن قانونی و در جهت حفظ و تداوم نسل باشد. در غیر این صورت، نفس عمل نزدیکی به دلیل نابود کردن منی / نطفه، کاری بسیار نکوهیده و ناپسند انگاشته می‌شده است.

ارتباط و همخوابگی با زنان در دوران دشتان (= عادت ماهیانه)

از دیگر گناهان مرگ‌آزاران یا گناهی که گناهکاران سزاوار مرگ می‌شده‌اند، «دشتان‌مَرزی» است. دشتان‌مَرزی به معنای نزدیکی کردن و همخوابگی با زن دشتان و حیض است. در متن‌های پهلوی، این اصطلاح به شکل «پَد اَبَر رَوِشَن» (pad abar rawishnih) و «رَوِشَن گَرَدَن» (rawishn-kardan)

۱. صد در نثر، ص ۸-۹.

۲. روایت امید اشوهیشتان، ص ۲۵

۳. صد در بندهش، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۴. ارداویراف‌نامه، ص ۶۵-۶۶.

۵. همان، ص ۸۶.

آمده است که هر دو به معنای ارتباط نامشروع و در حکم زنا کردن است.^۱ در روایت پهلوی در رابطه با نزدیکی و همخوابگی در دوره دشتان گفته می‌شود که «این دیگر روشی کردن و بر خلاف شرع رفتار کردن و عمل حرام است که در حالت عادت ماهانه، با زن نزدیکی و هم‌بستری شود.»^۲ بنا بر متون پهلوی هر بار سخن گفتن مرد با زن دشتان یک خور^۳ گناه است؛ همچنین با او خوابیدن و آلت را پیش بردن به غیر وظیفه (برای کاری که وظیفه‌اش نیست) گناه گران گفته شده است.^۴ اگر کسی زن دشتان را که با گومیز (= ادرار) و آب غسل نکرده و یا کسی را که باید به گومیز و آب تطهیر شده باشد و نشده، لمس کند شصت استیر گناه مرتکب شده است. اگر کسی دانسته با زن دشتان نزدیکی کند، پانزده تنافور و شصت استیر گناه کرده است.^۵ در آیین زردشتی، این گناه چنان بزرگ است که گفته شده اگر زنی که شوهر او ترک نفقه کرده با زنی مرتکب مقاربت در هنگام دشتان شده و نیز مجرم در جرم‌های دیگر است، دزدی کند؛ در واقع آن زن دزد نیست، بلکه شوهر او دزد است. و هنگامی که آن مرد را بگیرند، باید برابر با آیین رایج در کشور، او را مجازات کنند.^۶ این گزارش گواه است که قانون‌گذاران دوره ساسانی دقت و آگاهیهای بسیاری داشته‌اند و خواستار این بوده‌اند که اگر مردی زن خود را ترک گفته و با زنی دیگر، دشتان‌مرزی کند مستوجب مجازات گرانی شود.

در وندیداد، پادافره کسی که با زن دشتان نزدیکی کند، آمده است که «اگر کسی زن نشان حیض دیده، یا دشتان خون‌مند (را که سیلان خون دارد) با هوس کرداری، به تن نزدیک شود که برای او (زن) حالت نشان دشتانی (که زردی دیده و نشان آغاز دشتان‌مندی است) بود یا که برای او دشتان نشانگی (قاعدگی مسلم، که سیلان خون است) بود؛ اگر به نخست‌بار نزدیک شده (نخست‌بار نشسته) سی ضربه ابر زدن با شلاق اسبرانی، سی ضربه با شلاق فرمانبرداری. اگر به دوم‌بار نزدیک شده، به دوم‌بار نشسته، پنجاه ضربه ابر زدن با شلاق اسبرانی، پنجاه ضربه با شلاق فرمانبرداری. اگر به سوم‌بار نزدیک شده، به سوم‌بار نشسته، هفتاد ضربه ابر زدن با شلاق اسبرانی، هفتاد ضربه با شلاق فرمانبرداری. اگر به چهارم‌بار نزدیک شده، به چهارم‌بار نشسته، که به درون جامه یا بستر فراز رسد، که ناپاکی دشتان را مرد را فراز رسد اما فرو نریزد به درون از نطفه (نطفه فرو نریزد) او را نود ضربه ابر زدن با شلاق فرمانبرداری سزا است.»^۷ پس پیداست که مجازات دنیوی کسانی که دشتان‌مرزی می‌کنند به تعداد دفعات افزایش

۱. وندیداد، ج ۳، ص ۱۵۲۱-۱۵۲۳.

۲. روایت پهلوی، ص ۵۲.

۳. معادل شصت استیر (= سیر) که همانند درهم هم واحد وزن است و هم واحد پول.

۴. روایت آذرفرنبغ فرخزادان، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۵. وندیداد، ج ۳، ص ۱۵۳۷.

۶. مادیان هزار دادستان، ص ۳۵۶.

۷. وندیداد، ج ۳، ص ۱۵۲۰-۱۵۲۱.

می‌یابد. یک گزارش زردشتی دیگر، گناه هم‌خوابگی با زنِ دستان را از گناهان بزرگ به شمار آورده است، اما چنین گناهکارانی را سزاوار مرگ نمی‌داند.^۱

در برخی از اندرزنانه‌های دوره ساسانی نیز هم‌خوابگی با زنِ دستان سخت نکوهش شده است. آذرباد مارسپندان، موبدان موبد دوره شاپور دوم، نزدیکی با زن حیض‌مند را مایه زیان و بدی به تن و روان می‌داند و مردمان را اندرز می‌دهد که: «تن را از دروغ، بزه و نیز زن حائضه دور دارید، و از این موارد سخت بهره‌یزید که شما را زیان به تن و بدی به روان نرسد.»^۲

پادافره و کفاره گناهان مردانی که آگاهانه با زنِ دستان نزدیکی کرده‌اند در وندیداد بازگو شده است: «توبه کسی که زن دستانمند را دانسته و از روی دانایی و در حالی که زن نیز به دستانمندی خود آگاه است، نطفه‌ها را فرو ریزد؛ یک هزار از چهارپایان کوچک (گوسفند یا بز) بکشد. و از همه آن چارپایان تکه‌های ویژه را با زوهر، برای آتش مقدس، در پارسایی فراز برد. یک هزار، پُشته از هیزم‌های سخت خشک‌شده آزمایش شده، برای آتش، فراز برد. یک هزار از دسته‌های برسم بندد، یک هزار از مارهای به روی شکم خزنده را بکشد. و دو هزار از دیگر مارها را، یک هزار از وزغ‌های دم زنده بکشد (وزغ‌هایی که در خشکی هستند) و دو هزار از وزغ‌های آبی، یک هزار از مورهای دانه‌کش بکشد و دو هزار از دیگر انواع مورچه. سی پُل روی آب روان رودها برپا کند. پس آنگاه وی را یک‌هزار ضربه ابر زدن با شلاق اسبرانی، دو هزار ضربه با آلت فرمانبرداری^۳ است.»^۴ این کفاره‌ها و مجازات‌های سخت که گهگاه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش می‌یابد و جبران آن گناه را بسیار سخت و گاه ناممکن می‌سازد، نشان از بزرگی این گناه و تنفر جامعه دینی زردشتی از این کرده ناشایست است. در روایت آذرفرنبغ فرخزادان کفاره مردی که با زنِ دستان نزدیکی کند، چنین آمده است: «هزار زوهر چارپا به آتش بهرام گفته شده است؛ و هزار پُشته هیزم، و هزار پُشته چوب خوشبو، و هزار مراسم یزش که در آن زوهر به آب ببرد؛ و هزار مار و دو هزار سوسمار، و اگر هزار مار بکشد، کرفه‌اش بیشتر است، و هزار وزغ آبی، و دو هزار وزغ بیرون از آب، که می‌تواند بدوند، و هزار مور دانه‌کش، و دو هزار مور کوچک، هزار مگس سیاه، و هزار مارمولک، و سی پُل بر محل گذر آب بستن؛ و اگر مرد توانا باشد، آنگاه جبراننش چنین است که در اوستا آشکار است؛ و اگر نمی‌تواند، اگر مراسم همه دین و دوازده هوماست را با زوهر به جا آورد، آنگاه خوب جبران می‌شود.»^۵ به‌گزارش وندیداد، مرد نباید بیش از چهل روز که زن زایمان کرده است با او نزدیکی کند و «هر مردی که بیش از چهل روز که زن بزاده باشد و با او صحبت کند (هم بستر شود) دو

۱. روایت امید اشوهیستان، ص ۲۵۷.

۲. واژه‌ای چند از آذرباد مارسپندان، ص ۱۸۳.

۳. سروشه چرنام، نوعی شلاق چرمی برای تنبیه گناهکاران.

۴. وندیداد، ج ۳، ص ۱۵۲۰-۱۵۲۱.

۵. روایت آذرفرنبغ فرخزادان، ص ۱۱۳.

تفاوت گناه باشد و شیر از آن زن فاسد کند و بعد از آن شیر دادن کودک را زیان دارد و دایه باید دادن و اگر نه شیر مادر بر فرزند حرام باشد.^۱

در ارداویرافنامه، مجازات مردانی که با زن دشتان ارتباط و نزدیکی داشته‌اند، چنین تصویر شده است: «و دیدم روان مردی که ریم (= کثافت) و دشتان زنان در دهان او می‌ریختند و می‌خورد»، برای هریک باری، پانزده و نیم تنافور گناه است.^۲ در همه منابع پهلوی، پادفراه‌های سخت و جانفرسایی برای نزدیکی با زن دشتان تعیین شده است. به نظر می‌رسد که این شدت عمل‌ها دو دلیل اصلی داشته باشد: یکی این‌که، اهریمنی بودن حالت دشتان در زنان، چنان‌که منابع فارسی میانه می‌گویند حالت دشتان، اولین بار از بوسه اهریمن بر پیشانی دخترش «جهی» ظاهر شده است، و دوم این‌که، ضایع و تباه شدن منی و نطفه در مردان به دلیل اهمیتی که فرزند در آیین زردشتی دارد، چیز بسیار نکوهیده و خلاف دین بوده است و فرد دین‌دار موظف بود که از این گناه دوری کند یا به بدترین شکل، مجازات گناه خود را پس دهد.

با شهوت به سوی زنان دیگر رفتن (زنا کردن) و زن کسان ستاندن

از دیگر گناهانی که در متن‌های فارسی میانه یاد شده است ارتباط نامشروع با زن شوهردار است که از آن به نام «تن دُزدی» نیز نام برده شده است. زنا و نزدیکی با زن شوهردار از گناهان کبیره است و مرگ‌ارزانی در پی دارد. چنین احکامی در جامعه ایران ساسانی، که اساس نظم اجتماعی بر پایه اصل نظام طبقاتی و نظام سرمایه‌داری و مالکیت فردی استوار و تجاوز به چنین زنی، تجاوز به دارایی کسی و فراتر رفتن از نظام مالکیت است نه که بی‌حرمتی به خود زن؛ اما دخترانی که تحت سرپرستی و قیمومت نبودند، اگر مورد تجاوز واقع شده و آبستن می‌شدند، نباید از عمل خود شرمگین باشند و برای متجاوز نیز هیچ مجازات و حدّ شرعی و عرفی نیست. اما دخترانی که تحت سرپرستی نبودند، چون کنیزان و... اگر در خانه ارباب آبستن می‌شد، بهره آبستنی که کودک بود به ارباب خانه تعلق داشت و در شمار کنیزان بود.^۳

در بسیاری از متون اخلاقی پهلوی، شهوت‌رانی به سختی نکوهش شده است. در کتاب مینوی خرد، زن مردم را فریب دادن و نزد آنان رفتن، یکی از گران‌ترین و بزرگ‌ترین گناهان به شمار آمده است.^۴ در اندرزی از انوشه‌روان آذرباد مارسپندان آمده است که: «زن دیگران را مفرب، چه نسبت به روان گناه

۱. وندیداد، ج ۱، ص ۴۹۵.

۲. ارداویراف‌نامه، ص ۶۶-۶۷.

۳. وندیداد، ج ۳، ص ۱۴۹۴.

۴. مینوی خرد، ص ۵۲.

گران بود.^۱ بزرگمهر حکیم نیز در اندرزنامه‌اش به شدت دیگران را از شهوت که محرک انسان به سوی کارهای ناشایست از جمله زنا است بر حذر می‌کند و شهوت را خودخواه‌ترین و آشفته‌ترین دروجان می‌داند.^۲ همچنین پوریوتکیشان (= دانایان پیشین) چنین گفته‌اند که اگر کسی با زن شوی‌مند (= شوهردار) بیامیزد (= هم‌بستر شود) که در آن زن گناهی نیست (= بی‌تقصیر است)، پس از عمل آن مرد زناکار، ناآشتی و دشمنی و دردمندی در جهان بیفزاید. و در جای دیگر گفته‌اند که کسی که با زنی بیگانه بیامیزد (= تجاوز کند) تخمه و نژاد را نابود کند و ناپاک گرداند.^۳

«زن دزدی» بر اساس متون پهلوی در آیین زردشتی نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند؛ به گزارش کتاب روایت امید اشاوهِشتان، ازدواج خُویدوده (= ازدواج خویشاوندی یا ازدواج با محارم) را به هم زدن نیز، در حکم زن‌ربایی است و مرگ ارزانی دارد.^۴ در روایات پهلوی، دربارهٔ مرگ‌ارزانی این گناه گفته می‌شود که «اگر سردار زنی، زن را به مردی دهد و این زن و مرد، هر دو بدین کار راضی باشند و موافقت کنند، آنگاه همان سردار، بدون اجازهٔ مرد اول، زن را به مرد دومی بدهد، و زن نیز به این کار موافق باشد، و این عمل یکسال بدون آگاهی مرد اول ادامه پیدا کند، سردار زن و مرد دوم هر سه مرگ‌ارزان هستند.» همچنین در جایی دیگر هم که از گناهان مرگ‌ارزان نام برده شده است، گناه «زن کسان ستاندن، به یک سال» را نیز از گناهان مرگ‌ارزان خوانده‌اند.^۵ گناه همیمالان یا خصمان، که گناه نسبت به مردم است و گناهی است که مرتکب را در برابر مدعی و کسی قرار می‌دهد که از آن گناه آسیب دیده است، به‌طورکلی شامل گناهان نابخشودنی در آیین زردشتی است اما در برخی از منابع پهلوی به صورت اخص، برای زنا کردن به کار رفته است.^۶ در صد در بندهش آمده است «و هر کس که در گیتی زنا کرده باشد و زنی را از راه ببرد، و آن گناه همیمال خوانند. چون بمیرد روانش به چینود پُل رسد، شمارش نکند و اگر چه نیک‌کردار باشد تا همیمال (کسی که گناه نسبت به او روا شده است) رسیدن و عقوبت آن کارهاش دهند و پس شمارش بکنند. و اگر گناه بیشتر باشد به دوزخ برند، و دشواری در دوزخ بدو می‌رسد. می‌داند که عقوبت این کارها گیرد و به دوزخ باید شدن و آن پُل از همهٔ عذاب‌ها او را بتر باشد و همیشه غم و اندوهی به وی رسد تا آنکه شوهر آن زن که همیمال او بود رسد و بدان سبب، عذاب‌ها دهندش و بعد از آن شمار کنند.»^۷ این گزارش نشان می‌دهد روان شخصی که با

۱. اندرز انوشه‌روان آذرباد مارسپندان، ص ۸۱.

۲. اندرز بزرگمهر حکیم، ص ۱۲۷.

۳. قادری، اندرز پوریوتکیشان، با دانایان ایران باستان، ص ۹۷-۹۹.

۴. روایت امید اشوهیشتان، ص ۱۶۶.

۵. روایت پهلوی، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۶. شایست ناشایست، ص ۱۰۴.

۷. صد در بندهش، ص ۱۷۰-۱۷۱.

زن شوهرداری درآمیزد، تا زمانی که از شوهر آن زن طلب بخشش نکرده و نظرش را جلب نکند، گناهکار و در جهان پسین دیگر مجازات می‌بیند.

در دینکرد، دلایل مجازات سنگین زنا کردن با زن شوی‌مند به این صورت بیان شده است: «مردی که با زن شوهرداری در می‌آمیزد اگر مجازات نشود، ناامنی و رنج در جهان افزایش می‌یابد و مرد، تاوان ناامنی و رنجی که به واسطه عمل او در جهان زیاد شده، خواهد داد.»^۱ در جای دیگر از کتاب ششم دینکرد نیز به این قضیه از لحاظ عاطفی و جلوگیری از سست شدن و از هم پاشیده شدن روابط خانوادگی و از بین رفتن عشق و محبت بین زن و شوهری نظر افکنده شده است، بدین صورت که انسان نباید طالب زنان افراد دیگر باشد چراکه عشقش نسبت به همسرش از میان می‌رود و با فاحشه‌ها هم‌بستر می‌شود.^۲ در صد در نثر هم آمده است که: «سخت پرهیز باید کردن از روسپی‌گری، از بهر آن‌که هر کسی که زن کسی بفریبد و با وی فساد بکند، آن زن در ساعت بر شوهر حرام شد و بعد از آن هر باری که شوهرش با وی گرد آید، همچنان بود که با مرد بیگانه، نزدیک شده باشد. و همچنین اگر مردی با زن ناشایستی درآمیزد به این دلیل که منی خود را ضایع کرده، محکوم است.»^۳ بر این اساس زنا با زن شوهردار از گناهان نابخشودنی است: «چه اندر دین گوید که هر کس که پتت (= توبه) کرده باشد اگر چه گناه بسیار کرده باشد و کند، هرگز به دوزخ نرسد، مگر گناهی که در زن کسی جسته باشد (= با زن دیگری زنا کرده باشد) چه آن گناه به هیچ کرفته (= ثواب) از بن او به‌نشود و چون روانش به چینودپل رسد، امشاسفندان او را ببند و گویند دزد دروند (= کافر) آمد، از او دور باید بودن و روان او گویند: تو چه فرمایی این دزد دروند را، و روان زن شوهر آن گوید: آنچه پادفراه (= سزا) در خور او راست، عقوبت کنید و آنچه کرفته من است به من دهید.»^۴

در یشت‌ها، ایزد ارته/ اشه، که دارای بلندترین درجه اخلاقی است و به خوبی خاندان پاک و بی‌آلایش ایرانیان باستان را می‌نمایاند، خروش برآورده و گله‌مند است از مردی که به زور دختری را از راه به در برده و آبستن می‌کند، اما او را به زنی نمی‌گیرد.^۵

بنابراین، در آیین زردشتی اگر زنی کودکی نامشروع خود را از ترس بدنامی و برای حفظ آبرو سقط کند و آن کودک را از بین ببرد، گناه آن به ذمه مردی است که آن زن را از راه به در برده است. در صد در نثر، این مطلب توضیح داده شده است: «و اگر از این ارتباط نامشروع، زن آبستن شود و از بیم بدنامی، کودک را هلاک کند؛ پس آنکس که فرزند متعلق به وی باشد، همچنان بود که به‌دست خویش فرزند را

۱. کتاب ششم دینکرد، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۱۲۱.

۳. صد در نثر، ص ۴۴.

۴. وندیداد، ج ۳، ص ۱۷۰۰.

۵. پورداد، یشت‌ها، ج ۲، ص ۱۸۵.

هلاک کرده بود، پس او مرگ‌ارزان باشد. و اگر آن کودک را بزاید و بر دین نماند هر گناه که وی و فرزندان کنند، آنکس را همچنان بود که به‌دست خویش کرده بود. اگر با زن به‌دینان کند، حالی بر شوهر حرام شود و اگر کودک بزاید، حرامزاده بود و آنگاه گناه از این بشود که آنکس که نزدیک شوهر وی شود و بگوید که مرا با زن تو چه واقعه رسید، خطا در وجود آمد، اگر عفو کُنی تو دانی و الا که مرا تیغ کشی، خون من بر تو حلال است. اگر بخشد گناهش از بن بشود (= بخشیده شود) و الا این گناه به هیچ نوعی از بن بنشود. و این گناه را گناه «خصمان» خوانند تا خصم خشنود نشود گناه بریزد، روانی بر سر چینی پُل باز دارند تا آنگاه که خصم بر او رسد و خصمی خود کُند و جواب او باز دهد.^۱ چنان‌که آشکار است، گناه زنا کردن با زن شوهردار به هیچ وجه کفاره و بخشش ندارد، مگر اینکه فرد زنا کار از شوهر آن زن، طلب بخشش کرده و از گناه او درگذرد، و الا تاوان این گناه تا ابد با فرد زانی باقی خواهد ماند. البته زناکاری درجاتی دارد و بر طبق ضوابط و شرایطی برای آن مجازات تعیین شده است. در فرگرد پانزدهم از وندیداد، آمده است که گناه زنا، هنگامی مجازات و سزا دارد، که زانی با زن شوی‌مند باشد، یعنی زانی محصنه، و برای مردی که با دختری نزدیکی کرده که سرپرستی ندارد و قیمتی برایش نیست، مجازات تعیین نشده است.^۲

یکی دیگر از دلایل سنگینی گناه زناکاری با زن شوهردار در هم آمیختن نطفه‌ها و آسیب رساندن به جنین است: «در روسپی‌گری و روسپی‌بارگی در آمیختن نطفه مردمان است، و به این جهت روسپی‌بارگی درجاتی دارد و سبک‌ترین نوع آن هم آغوشی با زنی است که شوهر نداشته باشد و در آن واحد با مرد دیگری هم به سر نبرده باشد. اگر زن شوهر داشته باشد، زانی باید سیصد استیر به وی تاوان پردازد، زیرا زنا (= تن دزدی) است و این تاوان چونان وامی تلقی می‌شود. اما اگر شوهر با زن خود هم آغوشی کند، گناه هم آمیختگی نطفه روی می‌دهد که گناهی مستقل و مستوجب پادفراه سنگین‌تر است و اگر زن حامله نیز باشد، به جنین آسیب می‌رسد و طفل نیز همی‌مال زانی خواهد بود. اگر شوهر زن را به دلیل زنا طلاق دهد و زن بی‌گناه باشد وی نیز همی‌مال مرد زانی خواهد شد و گناه بزرگ‌تر می‌گردد.»^۳

در ارداویرافنامه، مجازات مردان زناکار به شکل پخته شدن تن در دیگ روین آمده است.^۴ همچنین نگونسار آویخته شدن، استمناء کردن و منی را در دهان و گوش و بینی ریختن، مجازات مردانی است که در گیتی (= جهان مادی)، زنا کردن و زن دیگران را فریفتند.^۵ به موجب ماتیکان هزار دادستان، تاوان

۱. صد در نثر، ص ۴۴-۴۵.

۲. وندیداد، ج ۳، ص ۱۷۰۳.

۳. شایست ناشایست، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۴. ارداویراف‌نامه، ص ۸۰-۸۱.

۵. همان، ص ۹۱-۹۲.

تجاوز به زن دیگری، سه صد استیر است که باید به سرپرست و شوهر یا پدر یا قیم زن پرداخت شود. در این جهان تاوان با پول است و در جهان پسین و روز حساب و شمار با وزن.^۱ در همه متون پهلوی، آشکارا بیان شده است که زناکار باید تاوان و جریمه را به شوهر یا صاحب زن بدهد، این بدین معنی است که مجازات زنا کار به خاطر جبران گناه نسبت به خود زن نیست؛ بلکه برای این است که در مال شوهر او تصرف کرده است. به عبارت دیگر، زن را در مالکیت مرد می‌دانستند و به همین دلیل از زنا با زن شوهردار، با اصطلاح «تن دزدی» یاد شده است.

پرداخت جریمه مالی در رابطه با زنا محصنه با زن کسان (دیگر) بر اساس منابع پهلوی ۳۰۰ درهم است، و چنان چه کسی زن مردی را بدزدد و با او زنا محصنه کند، باید ۷۰۰ درهم به‌عنوان تاوان زنا و نیز ۵۰۰ درهم برای دزدی بدهد. و اگر کسی از دختر صغیر، ازاله بکارت کند باید ۶۰۰ درهم (به‌عنوان تاوان) بدهد و نیز دختر صغیر را (به‌خانواده‌اش) باز سپارد.^۲ از دیگر گناهان مرتبط با زناکاری که شخص زناکار را متحمل تاوان و مجازات سنگین می‌کند، گناه زنا با زن غیر زردشتی است. گفته می‌شود «اگر مردی با زن غیر بهدین نزدیکی کند، گناه گران است؛ اگر آبتن باشد چند گناه می‌توان باشد؛ و اگر دشتان باشد، جبران (کفاره) آن همانند کفاره نزدیکی مرد با زن دشتان است؛ اگر دشتان و آبتن نباشد، به غیر از گناه نزدیکی با غیر بهدین، به‌خاطر زخم زدن به بدن و بیم دادن به روان و گرفتاری موقت، کفاره بر او واجب است؛ و اگر بدان گرفتار شود، به‌خاطر تلف کردن منی با زن دشتان، یعنی در تن او نریختن، حکم آن یک تناپل گناه تلف کردن منی و تن را ناپاک کردن است.»^۳ به گزارش وندیداد، «آن مردی که چهار بار به نزدیک زن جددینان رود، اگر آن زن آبتن نشود همچنان باشد که دشتان‌مرزی کرده باشد (یعنی حکم چنان است که با زن دشتان یا قاعده نزدیکی کرده باشد) و اگر زن آبتن شود و فرزندانش زاید و بر جددینان بماند، هر گناه که آن فرزندان کنند، همچنان باشد که آنکس به دست خویش همی کند، و این گناهی بس گران است و بسیار مرگ‌ارزان. و اگر مردی چهار بار به نزدیک زن مردمان رود، اگر مرد آبتن نشود، گناه دشتان‌مرز باشد، و اگر آبتن شود گناه آن را حساب برتوان گرفت، زیرا که از آن تواند بود که فرزندزادگان بسیار بزاید نتوان گرفت، زیرا که از آن تواند بود که فرزندزادگان بسیار بزاید و چندان گناه دشتان و مرگ‌ارزان که از آنان در وجود آید، همچنان بود که این کس به دست خویش کرده باشد.»^۴

با ورود اسلام به ایران و در تعامل قرار گرفتن زردشتیان با مسلمانان، احکام و شرعیات آیین زردشتی نیز متناسب با زمانه بانویسی شدند. چنانکه گفته می‌شود «اگر مرد زردشتی با زن مسلمان همخوابگی کند

۱. وندیداد، ج ۱، ص ۴۸۹.

۲. مادیان هزار دادستان، ص ۷۱.

۳. روایت آذرفرنبغ فرخزادان، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۴. وندیداد، ج ۳، ص ۱۷۰۶.

و به علت این همخوابگی، آن زن حامله شود، در دم گناه ایجاد فرزند در رحم زن مسلمان از جانب مرد زردشتی، گناه تناپوهل محسوب می‌شود. اگر این فرزند به دنیا آید و یا در رحم درگذرد و ایجاد نفاس کند، هر گناهی که در اسلام برای اینگونه معصیت قائلند به روح مرد زردشتی خواهد رسید. شمول این مقوله گناهان، زناهای گوناگون خواهد بود. اگر آن فرزند به پانزده سالگی برسد و همچنان مسلمان باقی بماند، گناه نطفه گذارنده او مرگ‌ارزان است. و اگر آن زن شوهر داشته آن وقت آن مرد زناکار باید به شوهر او به خاطر این زناکاری کفاره دهد. کفاره چنین زناپی، نهصد ستیراست، برابر با کفاره گناه همیملان.^۱

مجازات مردی که با زن دیگری نزدیکی کند در روز پسین اینگونه است: «که آن مرد را به چنودپل آورند و به هر ناشایستی که با زن آن مرد کرده باشد یک بار روی گداخته بر سینه او ریزند و کرفه از روان او باز گیرند و به هر بار که بی‌سامانی (= زنا) کرده باشد، هزار و دویست درم سنگ کرفه که کرده باشد، از روان وی به روان شوهر آن زن دهند.»^۲ و اگر مردی دختری را نزدیک شود (= نزدیکی کند) که تحت سرپرستی ردی (= پدر یا قیم) یا تحت سرپرستی ردی نباشد، یا نامزد شده باشد یا نشده باشد، پس آبستنی برای او پیش آورده؛ و آن دختر به سبب شرم از مردم، به میان خون برود یا برای سقط جنین به سوی آب و گیاه برود، و کودک خود را تباه کند و به این صورت مرتکب گناه گران شده باشد، چنان است که به پدران آن کودک، گناه بازگردد (= چنان است که پدران زخم وارد کرده‌اند، و آن تباهی و زخم‌ها را سبب شده‌اند). کيفرهای چنین گناهی، سزای از روی آگاهی تلقی می‌شود (گناه عمدی است).^۳ از این رو، زنا در آیین زرتشتی، به ویژه با زن شوهردار و یا زن غیر زردشتی به سختی نکوهش شده و مستوجب مجازات سنگینی شناخته شده است. دلایل نکوهش زناکاری را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد: ۱. زایل کردن منی؛ ۲. دستبرد به اموال شوهر و تن دزدی؛ ۳. درهم آمیختگی نطفه‌ها؛ ۴. آسیب رساندن به تن (در ارتباط با زنا با زن غیر بهدین)؛ ۵. تباه کردن و سقط جنین به دلیل اهمیت فرزند در آیین زرتشتی و همچنین دزدی کردن و دستبرد به اموال دیگر (به هر شکل و صورت) و در هم آمیختگی نطفه‌های چند مرد در رحم زن و همچنین آسیب رساندن به تن و روان در آیین زردشتی از گناهان نابخشودنی به شمار می‌آید. به همین دلیل زناکاری که موجب ارتکاب شخص زانی به این اعمال ناشایست می‌شود به شدت منع شده و مرتکبین آن به سخت‌ترین مجازات می‌رسیدند.

۱. روایت امید اشوهیستان، ص ۲۶۱.

۲. وندیداد، ج ۳، ص ۱۷۰۰-۱۷۰۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۴۷۹.

احتلام یا جُنب‌شدن در خواب و به جا نیاموردن آداب تطهیر

در مورد مسایل جنسی، در مسایل شرعی زرتشی، احکام فراوان و بسیار طولانی و پیچیده‌ای وجود دارد. در مجموعه «روایات داراب هرمزدیار»، اینگونه احکام از روایت موبدان فراوان است. اصولاً این اندیشه که نفس عمل نزدیکی یک عمل شیطانی است که موجب ناپاکی و نجاست و حلول دیو در بدن می‌شود، موجب یک رشته اعمال تطهیر می‌گردد. به همین جهت است که روایت احتلام یا جُنب‌شدن در حالت خواب، یا انزال خفتگان را به اصطلاح «شیطان‌بازی» بیان می‌کنند. این عمل هنگامی رخ می‌دهد که کسی خفته است و در خواب دیو یا شیطان، از این غفلت استفاده کرده و موجب انزال منی در مرد خفته می‌شود.^۱ بر اساس متون پهلوی، شیطان‌بازی زمانی گناه به شمار می‌آید که شخص محتلم، آداب تطهیر بعد از احتلام (= بیرون ریختن منی) را رعایت نکند. در غیر این صورت و با رعایت شرایط و ضوابط آداب تطهیر این عمل نه تنها گناه آلود نبوده بلکه می‌توانست موجبات رستگاری شخص احتلام شده در جهان پسین، با اهدای فرزند ذکور به او، را فراهم سازد. بر این اساس «مردمان را که شیطان در خواب بازی می‌دهد، می‌باید پیش از غسل پرهیز کند و اوستا بخواند و چیزی خورد و بعد از آن غسل نماید، جامه‌ای که در حالت احتلام آلوده شده، همان حکم آلودگی جامه زنی را دارد که دشتان شده است. نخست باید جامه با گویمز شسته شده و پس از آن با آب تطهیر شود. اگر کسی محتلم شود و آدویشتی (پت و پشیمانی) یا اوستای آن را نخواند مانند آن است که یک دیو را آبتن کرده باشد. اما اگر یک آدویشتی بخواند، اورمزد به وی یک فرزند ذکور بخشد.»^۲

آداب تطهیر، از جمله غسل کردن و... برای شخص محتلم شده واجب است: «غسل و شستشو و آداب شیطان‌بازی، در هر هنگام و به هر طریقی که آب منی از مرد خارج شود، واجب است و باید سخت از آب منی بر زمین آبادان ریختن پرهیز کرد، چراکه گناه باشد. هرگاه کسی محتلم شود، باید چون بیدار شد، اوستای آدویشتی تلاوت کرده و غسل نماید. آنگاه ادعیه‌ای دیگر خطاب به سپندارمذ خوانده و نطفه ریخته‌شده را بدو سپارد، تا با نام‌هایی که ترکیب آتر (= آتش) دارد، در پناه خود در بهشت، او را پیرواند، چون درگذرد، آن فرزندان در سر چینود پُل به یاریش شتابند. اما هرگاه آداب تطهیر را شخص محتلم انجام ندهد، نطفه ریخته‌شده توسط اهریمن پرورده شده و بر سر چینود پُل، چون دیوبچه‌ای، باعث عذاب و رنج می‌گردد. و این چیزی جز اهمیت و تقدیسی که خانواده برای فرزند قایل بود نیست که اگر حتی نطفه در حال خواب بیرون می‌ریخت، می‌توانست فرزندی بهشتی و یاور دین شود، یا دیوی و مخالف دین.»^۳

۱. وندیداد، ج ۳، ص ۱۶۸۸.

۲. روایات داراب هرمزدیار، ج ۱، ص ۱۹۲.

۳. وندیداد، ج ۳، ص ۱۶۸۹.

نتیجه‌گیری

در آیین زردشتی، هر گونه اعمال و ارتباطی که باعث خروج منی و تباه شدن نطفه در مرد شود، چیزی بسیار ناپسند و حرام و بسته به نوع ارتباط، گناهکار سزاوار مجازات و پادفراه و گاه مرگ‌ارزانی می‌گردید. لواط و غلامبارگی کردن از جمله گناهانی بود که مرتکبین را سزاوار مرگ‌ارزانی می‌کرد. به دلیل اهمیتی که زن گرفتن و تشکیل خانواده و فرزند داشتن در آیین زردشتی دارد، طبیعی به نظر می‌رسد که لواط که باعث بی میلی مرد به جنس مخالف و ازدواج کردن و سست شدن بنیاد خانواده‌ها می‌شود امری بسیار نکوهیده و مستوجب بدترین عقوبت‌ها باشد. از دیگر گناهان جنسی مردان که مرتکبین را در خطر مرگ قطعی قرار می‌داد، زنا و ارتباط نامشروع با زن شوهردار است؛ چراکه در این ارتباط علاوه بر گناه تباه شدن منی یا نطفه، در هم آمیختن نطفه‌ها، از بین رفتن پیوند خانوادگی، گناه زن دزدی و دستبرد به اموال و دارایی شوهر نیز به شمار می‌آمد که این خود نیز گناهی مجزا بود. نزدیکی کردن و لمس زنان در دوران دشتان‌مندی با توجه به قوانین سخت و شدیدی که در آیین زردشتی به دلیل اهریمنی بودن حالت دشتان در زنان وجود داشت، از گناهان بزرگی محسوب می‌شد که هر زردشتی مجبور به رعایت و در صورت سرپیچی، مستوجب مجازات‌های سنگینی بود که از طرف حکومت دینی آن زمان وضع شده بود. از دیگر گناهان که نسبت به گناهان جنسی دیگر از شدت مجازات کمتری برخوردار بود، احتلام شدن یا به روایتی شیطان‌بازی در خواب بود. گناه این عمل با رعایت آداب تطهیر نه تنها بخشیده می‌شد، بلکه برای شخص مذکور، ثواب فرزند بهشتی داشتن را نیز در پی داشت.

منابع و مأخذ

- آذرفرنگ پسر فرخزاد. آذرباد پسر امید، کتاب ششم دینکرد، ترجمه فرشته آهنگری، انتشارات صبا، چاپ اول ۱۳۹۲.
- پورداوود، ابراهیم. یشت‌ها، به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۴۷.
- تفضلی، احمد. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، احمد تفضلی، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- تفضلی، احمد. مینوی خرد، تهران: توس، ۱۳۶۴.
- صفای اصفهانی، نزهت. روایت امید اشوهیشتان (متعلق به سده‌ی چهارم هجری)، تدوین، آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶.
- جاماسب جی دستور و منوچهر جی جاماسب آسانا، «اندرز انوشه روان» در متن‌های پهلوی، پژوهش سعید عریان، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۲.

- جاماسب جی دستور؛ منوچهر جی جاماسب آسانا، «اندرز بزرگمهر حکیم» در متون پهلوی (ترجمه، آوانوشت)، گزارش سعید عریان، ناشر کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- جاماسب جی دستور؛ منوچهر جی جاماسب آسانا، «واژه‌ای چند از آذرباد مارسپندان» در متون پهلوی (ترجمه، آوانوشت)، گزارش سعید عریان، ناشر کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- رضایی باغ بیدی، حسن. روایت آذرفرنبغ فرخزادان، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- رضی، هاشم. وندیداد. ترجمه از متن اوستایی، مقدمه، تطبیق با ترجمه پهلوی، آوانویسی، تهران: فکر روز، ۱۳۷۶.
- زرشناس، زهره. زبان و ادبیات ایران باستان، ویراستار کاظم سادات اشکوری، ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- ژینیو، فلیپ. ارداویرافنامه، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران انتشارات معین - انجمن ایرانشناسی فرانسه، ۱۳۷۲.
- عریان، سعید. مادیان هزار دادستان (هزار رای حقوقی)، انتشارات علمی تهران، ۱۳۹۱.
- قادری، تیمور، «اندرز پوریوتکیشان» در با دانایان ایران باستان، تهران: مهتاب، ۱۳۸۷.
- گیمن، دوشن. دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم، انتشارات فکر روز، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- مزداپور، کتایون. شایست ناشایست متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی، آوا نویسی و ترجمه)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- میرفخرایی، مهشید. روایت پهلوی متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- Dhabhar, ervard Bamanji Nasarvanji, Saddar nasr and saddar bundehesh, ,M.A.published by the trustees of the parsee punchayet funds and properties, 1909.
- Unvala , ervad manockji Rustamji ,Darab Hormazyars Rivayat, by with an introduction by shams ul ulma givanji jamshedji modi, volume 1. 1922.